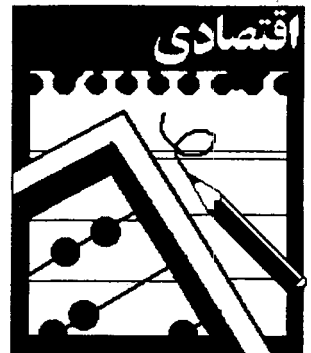


برنامه دوم، شتاب و پی آمدها



مجلس شورای اسلامی در نیمه دوم سال گذشته پس از تقدیم برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی رسیدگی به این برنامه و اجرای آن را به مدت یک سال به تعویق انداخت.

چنین به نظر می‌رسد که مجلس با اتکاء به تجارب حاصل از اجرای برنامه اول قصد دارد سالی را صرف بررسی کارشناسانه و همه جانبه برنامه دوم کند تا تجارب تلخ برنامه قبلی تکرار نشود.

تشکیل کمیسیون ویژه‌ای تحت عنوان «کمیسیون تلفیق» که علاوه بر اعضای کمیسیون برنامه و بودجه شامل نمایندگان از همه کمیسیونهای مجلس بود، این ظن را تقویت کرد که مجلس واقعا قصد برخوردی کارشناسانه و توأم با احساس مسئولیت را در این زمینه دارد.

روز دوم مرداد هیأت رئیسه این کمیسیون مصاحبه‌ای تشکیل داد که راجع به کم و کیف آن در سطور آتی توضیحاتی داده شده است. جو حاکم بر آن کمیسیون چنان بود که به نظر می‌رسید رسیدگی به لایحه برنامه دوم چند ماهی ادامه خواهد یافت. اما ۱۵ روز بعد، در شرایطی کاملا غیر مترقبه و غافلگیر کننده، رسیدگی به شور اول لایحه در مجلس آغاز شد. این تعجیل به قدری غیر منتظره بود که روزنامه همشهری در مطلبی تحت عنوان «چرا شتابزدگی؟» نوشت:

«... واقعیت این است که هم در بررسی لایحه بودجه سالانه کل کشور و هم لایحه برنامه توسعه به مثابه مهمترین اسناد مالی کشور و راهنمای عملکرد سالانه و پنج ساله کل مملکت، شتابزدگی، به گونه‌ای بارز صورت می‌گیرد. روزنامه سلام نیز نوشت:

«یک نکته مهم در این خصوص تعجیلی است که در تصویب برنامه دوم و تبصره‌های آن صورت گرفته است، البته این موضوع در مدت زمان کوتاه بررسی نمایندگان برای مخالفت یا موافقت با کلیات برنامه مشهود بود، به طوری که روز دوشنبه در کل، مخالفین، موافقین و نمایندگان دولت و کمیسیون ۴ ساعت صحبت کردند و سپس برای کلیات رأی گیری شد. در صورتی که برای لوایح بودجه سالانه، معمولاً این زمان ده ساعت است.»

در هر حال رسیدگی به شور اول این لایحه از روز ۱۵ مرداد آغاز شد و روز ۱۹ مرداد خاتمه یافت!

اینک فقط یک فرصت برای تعمق و تدقیق در این لایحه، که تصویب آن سرنوشت آینده کشور را رقم خواهد زد، باقیمانده است: دقت در جریان رسیدگی به این لایحه سرنوشت‌ساز در شور دوم آن که بعد از ۲۰ شهریور که تعطیلات تابستانی مجلس خاتمه می‌پذیرد، آغاز خواهد شد.

گزارش اصلی این شماره با هدف جلب توجه مسئولان و نمایندگان قوه مقننه به پی آمدهای اجرای برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در شکل و محتوای کنونی آن است.

بخش اول:

مروری بر کاستی‌های برنامه اول

روز یکشنبه دوم مردادماه هیأت رئیسه کمیسیون نوظهور تلفیق در یکی از سאלنهای فرعی ساختمان مجلس شورای اسلامی با نمایندگان رسانه‌های گروهی یک نشست تشکیل دادند.

اعضای هیأت رئیسه این گروه عبارت بودند از آقایان حبیب‌الله عسکراولادی (رئیس) حجت الاسلام دری نجف‌آبادی (نایب رئیس) محمدرضا باهنر (نایب رئیس) - محمد باقر نوبخت حقیقی (مخبر) علی مبینی دهکردی (منشی) رضا عبداللهی (منشی).

رئیس کمیسیون تلفیق، ماهیت این کمیسیون را چنین تبیین کرد: برای نخستین بار ۱۵ عضو کمیسیون برنامه و بودجه، همراه با ۲۰ نماینده از ۲۰ کمیسیون مجلس گرد هم آمده‌اند تا دوّمین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را از جمیع جهات مورد بررسی و مذاقه قرار دهند. این کمیسیون همچنین برای کار خود دو مرحله در نظر گرفته است، بدین ترتیب که نتایج کار

بوده است. از میزان این رشد در سال ۷۲ خبر نداریم ولی در هر حال این رشد چنان بوده که سازمان برنامه در گزارش خود از آن ابواب نگرانی می‌کند و می‌گوید چنین رشدی سیاست تعدیل اقتصادی را به مخاطره انداخته است. نکته دیگر این که شرکت نفت ...

در این موقع آقای عسکراولادی می‌پرسد:

یعنی همه اینها یک سؤال است؟ تا حالا که این شد دو سؤال.

لحن آقای عسکراولادی بسیار متین و مؤدبانه است، اما در هر حال به نماینده «گزارش» این پیام را انتقال می‌دهد که نباید زیاد جزئیات شود. لذا او فقط چند جمله دیگر می‌گوید:

«بله ... عرض کنم مثلاً قرار بوده میدان‌های گازی کنگان و یک میدان دیگر که نامش را بخاطر ندارم در سال ۷۱ به بهره‌برداری برسد که نرسیده و این در حالی است که شرکت نفت در طول برنامه اول ۱۴/۷ میلیارد دلار اعتبار مصرف

اندکی از بین برد. او گفت: از همه ارباب قلم، کارشناسان، اقتصاددانان و عزیزان حوزه‌های علمیه تقاضا داریم ما را در هر چه بهتر تدوین کردن این برنامه راهنمایی کنند و باری دهند.

در اینجا بود که نماینده «ماهانماه گزارش» جانی گرفت و سئوالی را مطرح کرد:

«می‌دانیم که برنامه اول شالوده و زیربنای اقتصاد آینده کشور را پی‌ریخته است. اگر این شالوده محکم و اساسی باشد، می‌توانیم با اطمینان برنامه دوم را بر آن بنا کنیم. بنابراین اولین و مهمترین سؤال این است که آیا در برنامه اول موفق بوده‌ایم؟ و اگر نبوده‌ایم دلایل چیست و ضعف‌ها در کجاست؟ ظواهر امر نشان می‌دهد ما در برنامه اول ضعف‌هایی داشته‌ایم. به استناد اسناد و آمار منتشره از سوی سازمان‌های مختلف، و از جمله سازمان برنامه و بودجه، مثلاً در سال ۷۱ ما با رشد شدید نقدینگی مواجه بوده‌ایم که عمدتاً ناشی از سیاستهای بانک مرکزی

خود را دوبار به شور می‌گذارد.

پس از این مقدمات، رئیس کمیسیون تلفیق و نواب و کلیاتی را در مورد برنامه دوم توسعه و شیوه کار کمیسیون تلفیق ارائه کردند و نمایندگان رسانه‌های گروهی که نیمی از آنها مترصد بودند هر چه زودتر خبر را به واحدهای خود برسانند تا در اولین بخش خبر، یا شماره نشریه‌شان چاپ و منعکس شود (رادسو - تلویزیون - اطلاعات - کیهان و رسالت) سئوالاتی را سدرستی مطرح کردند و جواب‌هایی کلی گرفتند.

چنین به نظر می‌رسد این نشست حساس که می‌توانست مقادیر زیادی اطلاعات و آگاهی در مورد برنامه‌ای که سرنوشت آینده کشور را رقم خواهد زد عاید نمایندگان رسانه‌ها، و از طریق آنها مردم کند، قربانی تعجیل روزنامه‌نگاران خواهد شد، اما یک گفته توأم با تأکید رئیس کمیسیون برنامه و بودجه (حجت الاسلام دری نجف‌آبادی)، این ظن را

برنامه اول خشت کج بود یا نبود؟

کرده است، چنین عقب ماندگی هایی را باید ناشی از نارسائی برنامه اول بدانیم یا همه اش را به حساب پائین ماندن قیمت نفت بگذاریم و یا این که ضعف های دستگاههای اجرائی و عملکرد دولتمردان ما هم در این زمینه نقش داشته است؟ این نکته مهمی است که...
آقای عسگر اولادی:

- ببینید... هم دولت و هم مجلس برای اولین بار بود که برنامه نوشتند و اجرا کردند. باید بپذیریم که هم دولت تجربه کافی نداشت و هم ما فاقد تجربه لازم بودیم. تشکیل کمیسیون تلفیق با همین نیت است که اشتباهات تا حد امکان کاهش یابد و برنامه دوم با جامعیتی از تصویب مجلس بگذرد که همه به تشریحی آن با ضرب اطمینان بالائی امیدوار باشیم. وقت ما کم است و باید به کارهای دیگرمان برسیم و لذا باید جلسه را ترک کنیم. در مورد تورم و افزایش حجم نقدینگی مسائلی هست که آقای نوبخت مخبر کمیسیون توضیحاتی می دهند.

آقای نوبخت حقیقی:

- در گذشته تورم ناشی از استقرار دولت از سیستم بانکی برای تأمین هزینه های خود بود. از سال ۶۸، با اجرای برنامه تعدیل اقتصادی، و با اصطلاحاتی که در سیستم بودجه نویسی کردیم میزان استقرار دولت به حداقل و حتی به صفر رسید، اما همین سیاست تعدیل اقتصادی موجب شد بخش خصوصی مواجه با کمبود نقدینگی شود که یک علت عمده آن تغییر نرخ ارز بود. واحدهای خصوصی برای به دست آوردن نقدینگی لازم جهت خرید ارز و تأمین مواد اولیه و گردش امور جاری خود به سیستم بانکی رو آوردند و استقرار بخش خصوصی جای استقرار بخش دولتی را گرفت و همین امر موجب رشد نقدینگی [از طریق چاپ اسکناس] و لاجرم تورم شد. اما

همچنانکه ملاحظه کرده اید از همین امسال سیاست هایی جهت مهار تورم به مرحله اجرا گذاشته شده و امیدواریم این سیاست ها در طول اجرای برنامه دوم به اوج و بهره دهی کامل برسد.

خشت اول و بنای کج

در ادبیات فارسی متنی هست به این مضمون:
خشت اول چون نهد معمار کج.....

برنامه اول می تواند همان خشت کج باشد. اگر این کجی اصلاح نشود احتمالاً اشکوب دوم ساختمان و ساختار اقتصاد کشور که قرار است در قالب برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی کشور بنا نهاده شود، نیز غیر مطمئن و متزلزل خواهد بود.
یک معمار اقتصادی زیر بنا را باید همان اندازه جدی بگیرد که یک معمار ساختمانی.

آیا معماران اقتصادی ما در طول اجرای برنامه اول، هنگامی که بناها و کارگران شان سرگرم شالوده ریزی اقتصاد نوین کشور بودند، همان نظارت و دقتی را که یک معمار معمولی در جریان احداث یک ساختمان بر کار پیمانکاران، استادکاران و کارگران خود اعمال می کند، بر کار دستگاههای اجرائی، مدیران و مجریان داشته اند؟

حجم عظیم سرمایه صرف شده در طول برنامه اول و وسعت و تنوع میدان هایی که این هزینه ها در آنها به مصرف رسیده یک گروه کارشناسی انبوه می خواهد تا روشن کنند که فی المثل:

- کاهش درآمد نفت چه سهمی در ناکامی های برنامه اول داشته است؟

- ریخت و پاش و هزینه های غیر ضروری چه مقدار از اعتبارات مصرف شده را بلعیده است؟

- سیاست های متضاد ارزی که دائماً دستخوش تغییر بوده چه تأثیری بر روند افزایش نقدینگی داشته است؟

- واردات بسی رویه کالاهای غیر ضروری چه تأثیری بر بدهکار شدن کشور گذاشته است؟

- اجرای سیاست های دروازه های باز (آن هم در دوره ای که همه می دانستند بازدهی منبع اصلی ارز کشور، یعنی نفت روز به روز کمتر می شود) چه

اثراتی بر اقتصاد کشور باقی گذاشته است؟
- حرکات موازی و مستضاد دستگاههای اجرائی چه زیان هایی را به اقتصاد ما تحمیل کرده است؟
و....

نقد و بررسی هر یک از موارد بالا را می توان به عنوان یک بازنگری در زیربنای اندیشه، و چگونگی عملکرد طراحان و مجریان برنامه اول مورد توجه قرار داد.

در اولین جلسه مصاحبه هیأت رئیسه کمیسیون تلفیق فرصتی برای طرح هیچکدام از این پرسش های اساسی پیش نیامد، وگرنه امکان داشت مواردی مطرح شود که در همانجا قسمتی از نیت و درخواست حجت الاسلام دری نجف آبادی مبنی بر مشارکت و وسائل ارتباط جمعی و اهل تخصص در ارائه نظریات انتقادی و سازنده برای تدوین برنامه دوم بر آورده شود.

اگر چنین فرصتی پیش می آمد، این سوال مطرح می شد که چرا در همان شرایطی که صنایع سنگین کشور از عدم فروش کالاهایشان (ولا جرم کمبود نقدینگی) رنج می بردند، در آخرین ماههایی که امکان استفاده ارز هفت تومانی برای عده ای وجود داشت، ماشین آلات سنگین متعددی (کامیون - لودر - بولدوزر) با ارز ۷ تومانی وارد کشور می شد. (در این زمینه رجوع شود به گزارشی که تحت عنوان «صنایع اراک...» در شماره ۳۵ و ۳۶ بهمن ۷۲ این ماهنامه چاپ شده است).

نیز امکان داشت در پایان توضیحات آقای نوبخت مخبر کمیسیون تلفیق در مورد جایگزین شدن عطش استقرار بخش خصوصی از سیستم بانکی به جای عطش دولت، و لاجرم افزایش نقدینگی در سالهای ۷۰، ۷۱ و ۷۲ این سوال را مطرح کرد که:

آیا این عطش کلاً صادق بود؟

و آیا اسکناسهایی که در اختیار بخش خصوصی قرار گرفت کلاً صرف تهیه ارز برای واردات و تولید شد؟

طبعاً برای اعضای کمیسیون تلفیق جالب توجه و تأمل برانگیز می نمود که از سر نوشت چند نمونه واردات مواد اولیه آگاهی می یافتند. فرصت کم اعضای کمیسیون امکان طرح یکی دو نمونه را در آن جلسه نداد. اما چون آقای عسگر اولادی تأکید داشت کمیسیون

تلفیق مصمم است دو شیفت کار فعلی خود را به سه شیفت افزایش دهد تا برنامه دوم جامع و حتی امکان مبتنی بر «اصلاح ساختار برنامه ریزی، نظارتی، اجرائی و قضائی کشور در جهت تحقق اهداف برنامه» باشد، مواردی به عنوان نمونه ذکر می شود:

- می دانیم در طول اجرای برنامه اول، و پس از افزایش نرخ ارز، دولت برای راه اندازی صنایع تمهید خاصی اندیشید. بدین ترتیب که از طریق وزارتخانه های صنعتی برای صاحبان صنایع بخش خصوصی این امکان را فراهم آورد که با دادن ۷۰ ریال در برابر هر دلار مبادرت به واردات مواد اولیه و ماشین آلات کنند و پس از تولید و صدور تمام یا قسمتی از تولیدات خود معادل دلار دریافتی از شبکه بانکی را ضمن دریافت ۷۰ ریال های خود باز پس دهند؟ آیا همه استفاده کنندگان از این تسهیلات به تعهدات خود عمل کرده اند؟ و آیا مواردی نبوده که رنود فرصت طلب دلار ۷۰ ریالی را صرف واردات مواد اولیه کرده و بعد همین مواد را با احتساب هر دلار ۱۴۰۰ یا ۱۶۰۰ یا حتی فراتر از دوهزار ریال در بازار آزاد فروخته اند؟

شرایط غیر قابل اجتناب

اجرای برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور در دوره ای آغاز خواهد شد که ما شرایط ویژه ای را پیش رو داریم:

- جمعیت جوان کشور که معلول نرخ بالای رشدزاد و ولد بعد از انقلاب است به سنی گام می نهد که علاوه بر مدرسه، دانشگاه و امکانات کارآموزی و فراگیری حرفه و فن، نیاز به شغل، مسکن، بهداشت و نان دارد.

- بلوک بندی های اقتصادی، صادرات سنتی و غیر نفتی ما را تحت تأثیر همه جانبه قرار خواهد داد، و حضور در بازارهای جهانی شرایط نوینی می طلبد که ما فعلاً فاقد آن هستیم. صدور ۸/۸ میلیارد دلار کالای صنعتی که در سالهای اجرای این برنامه پیش بینی شده در شرایطی باید تحقق یابد که قدرت های صنعتی جدیدی پا به عرصه می گذارند و اگر رقابت قدرت های صنعتی جانی برای کشورهای تازه صنعتی شده (کره جنوبی - تایوان - اندونزی - مالزی - سنگاپور - برزیل و...) بگذارد، تازه ما باید با این کشورها که صنایعشان در بسیاری موارد از

مزیت نسبی برخوردار است دست و پنجه نرم کنیم. در زمینه صادرات کشاورزی و سنتی نیز ما باید شرایط نوینی را تجربه کنیم. (در این زمینه رجوع شود به مقالات و گزارشهایی که با عناوین «گات و شرایط جدید اقتصاد جهان»، «اقتصاد گندم: قدرت سبز» و مصاحبه با رایزن بازرگانی سفارت اسپانیا در تهران که در شماره‌های ۳۷ - ۴۰ - ۴۱ و ۴۲ همین ماهنامه چاپ شده است).

- امید به افزایش قیمت نفت و لاجرم افزایش درآمدهای نفتی نیز بسخیه زدن عراق شکسته خواهد شد و در این صورت بهترین موقعیت مورد انتظار، حفظ قیمت‌های کنونی است. (جز این توجه علاقمندان و محققین را به ترجمه گزارشی که تحت عنوان «آغاز یورش جدید کمپانیهای نفتی» در همین شماره ماهنامه چاپ شده، جلب می‌کنیم).

- اجرای برنامه دوم در زمانی آغاز می‌شود که بدهی‌های معوقه کشور تا ۳۵ میلیارد دلار نیز ذکر شده است (آن هم از زبان پاره‌ای مقامات مسئول). گرچه باز پرداخت این بدهی‌ها به تعویق افتاده اما در این جا دو اصل را نباید از یاد برد. اول این که بهره این بدهی‌ها هرچه هم اندک باشد، باز بر حجم آن می‌افزاید. دوم این که باید هرگونه مغزی را بر روی استقراض یا خرید به صورت یوژانس یا هر نوع خرید دیگری که بر تعهدات کشور بیفزاید، بست. این تکتک را فراموش نکرده‌ایم که دستگاه مالی کشور متعهد شده است آن مقدار خرید خارجی را مجاز بدانند که منهای چهار میلیارد دلار از درآمد ارزی کشور باشد. اما این تکتک را هم فراموش نکنیم که در طول سال‌های اجرای برنامه اول هم قرار نبود این مقدار بدهی خارجی بالا بیاوریم و به گفته یک مقام مسئول دیک وقت چشم باز کردیم و دیدیم سالی ۹ میلیارد دلار زیادتز خرید کرده‌ایم! ما در زمینه ارزی محدودیت داریم. این محدودیت در برخورد با بدهی‌های فعلی، ما را با تنگنای بیشتری مواجه می‌کند.

اگر اساس برنامه اول توسعه اقتصادی را خوش‌بینی تشکیل می‌داد، برنامه دوم را باید با احتیاط توأم با وسواس آغاز کرد. اتکا به نسخه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، فرضیه‌های خوش‌بینانه در مورد

برنامه دوم: درآمدهای نفتی به چه میزان تحقق می‌یابد

دولت و چه در خارج از آن - قرار گیرد. بحث، اظهار نظر و ارائه پیشنهاد به کمیسیون تلفیق و نمایندگان از جانب افراد صاحب آگاهی علمی و صلاحیت یک وظیفه است. این که پیشنهادات اصلاحی و ارائه طریق‌ها مورد توجه قرار بگیرد یا نه، مهم نیست. مهم این است که افراد وظیفه خود را انجام دهند. حقایقی که در زیر آورده می‌شود تماماً مستخرج از گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۱ - انتشار یافته از سوی دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه (منتشر شده در اسفند ۱۳۷۲) است. در نظر داشته باشیم که با توجه به وضعیت مالی کشور در سال ۱۳۷۲، ارقام اگر منفی‌تر نشده باشند، لاقول در حد همان سال ۷۱ باقی مانده‌اند.

تولید، سرمایه‌گذاری و مصرف

... سیاست‌های پولی در این سال نیز چندان مطلوب نبوده است. در سال ۱۳۷۱، نقدینگی با رشدی معادل ۲۵/۳ درصد به ۳۵۸۶۶ میلیارد رسید. رشد شدید نقدینگی که عمدتاً ناشی از سیاست‌های انبساطی بانک مرکزی از طریق افزایش بدهی بانکهای تجاری و تخصصی و شرکتها و مؤسسات دولتی است می‌تواند ثمرات ناشی از تعدیل اقتصادی را دچار مخاطره نماید... رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت در سال ۱۳۷۱ به ۶/۱ رسید. رقم پیش‌بینی شده برای این سال ۸/۵ درصد بوده است.

ارزیابی عملکرد بودجه دولت در سال ۱۳۷۱

... علیرغم افزایش قابل ملاحظه حجم درآمدها و هزینه‌های دولت در

درآمدهای نفتی و صادرات غیرنفتی نباید موجب شکه ما در پایان برنامه دوم جملاتی مشابه جملات زیر را - و شاید تلخ‌تر از آن را - بخوانیم:

«... باید متذکر شد که در برنامه پنجساله اول، با کمال تأسف خطوط بسیار پررنگ استراتژی جایگزینی واردات مشهود است و تغییرات جدی در رویه‌های قبلی ملاحظه نمی‌شود. با چنین وضعی با احتمال زیاد رشد اقتصادی در کشور کماکان یک فرآیند کاملاً مشروط داشته و مطلقاً در گرو نوسانات درآمدهای ارزی حاصل از نفت باقی خواهد ماند و تحت این شرایط مشکل بتوان به معنای واقعی از یک بینه دوم در تحصیل ارز سخن به میان آورد». این جملات عیناً از مقاله «تخصیص ارز در ایران» (تحقیق انجام شده زیر نظر آقایان دکتر اکبر کمیجانی و دکتر ایرج توتونچیان) چاپ شده در مجله اقتصادی، نشریه داخلی حوزه معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی - شماره ۲ - سال نهم - خرداد ۱۳۷۳ نقل شده است.

حقایق غیرقابل انکار

این که برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی با چه محتوایی از کمیسیون تلفیق بیرون آید و تقدیم مجلس شود، و مجلس آن را چگونه و با چه تغییراتی به تصویب برساند معلوم نیست. اما حقایق غیرقابل انکاری هست که هم کمیسیون تلفیق و هم نمایندگان مجلس باید به آن توجه داشته باشند. این حقایق همچنین باید بطور جدی مورد توجه اقتصاددانان، کارشناسان مالی و متخصصان برنامه‌ریزی - چه در داخل

سال ۱۳۷۱، ترکیب درآمدها و هزینه‌ها نسبت به سال ۱۳۷۰ شکل نامطلوبتری داشت. بسنحویکه سهم درآمدهای مالیاتی در کل درآمدهای دولت از ۳۹/۵ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۳۸/۱ درصد در سال ۱۳۷۱ کاهش یافت و طی همین مدت سهم اعتبارات عمرانی در کل هزینه‌های دولت از ۳۱/۲ درصد به ۲۹/۱ درصد رسید.

پول و بانکداری

... در مجموع در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی به ترتیب ۷/۳ و ۲۲/۱ درصد رشد داشته که در مقایسه با ارقام متناظر در برنامه [اول] ۶/۷ و ۵/۲ مبین وضعیت چندان مطلوبی نمی‌باشد.

... از سال ۱۳۷۰ به بعد، حذف سقف‌های اعتباری برای بانکهای کشور سیاست انبساطی بانک مرکزی در زمینه اعطای تسهیلات به بخش خصوصی، گسترش و شدت بیشتری یافت. بطوریکه کل مانده بدهی بخش خصوصی با افزایشی معادل ۵۱۴۰/۴ میلیارد ریال (۳۹/۱ درصد رشد) به ۱۸۲۹۷/۳ میلیارد ریال دریایان سال ۱۳۷۰ رسید. قابل اشاره است که ۱۳۰۴ میلیارد ریال از تسهیلات مزبور در سال ۱۳۷۰، برای گشایش اعتبار اسنادی در یکماهه آخر سال بوده است. آخرین اطلاعات مربوط به سال ۱۳۷۱ نشان می‌دهد که میزان افزایش در بدهی بخش

حقایق هشدار دهنده در مورد پیامدهای برنامه اول

غیردولتی به سیستم بانکی قریب ۵۲۹۲/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۱ بوده که مبین افزایش حدود ۲۸/۹ درصد طی سال می‌باشد. در مجموع تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ به ترتیب ۲۹ و ۲۸/۹ درصد رشد داشته است. بنابراین نیازی به توضیح در مورد مغایرت شدید عملکرد آن با قانون برنامه و حتی با تجدید نظرهای شورای پول و اعتبار وجود ندارد.

(توضیح ماهنامه: به علت محدودیت صفحات از ذکر بقیه این قسمت خودداری می‌شود. اما توجه علاقمندان را به مطالعه ادامه این بخش در صفحات ۵۵ و ۵۶ از گزارش منبزر جلد می‌کنیم).

بازرگانی

الف، صادرات - در برنامه توسعه اول برای سال ۱۳۷۱، ۴۲۴۷/۹ میلیون دلار صادرات غیرنفتی پیش‌بینی شده ب، واردات - میزان کل واردات در سال ۱۳۷۱ در برنامه اول ۱۹۸۴۴ میلیون دلار پیش‌بینی شده [اما عملکرد صادرات و واردات در سال ۷۱ چنین بوده است]

الف، صادرات - صادرات غیرنفتی طی سال ۱۳۷۱ معادل ۲۹۳۶ میلیون دلار بوده (۱۳۳۸/۹ میلیون دلار کمتر از رقم پیش‌بینی شده)

ب، واردات - طی سال ۱۳۷۱ حدود ۲۹ میلیارد دلار وارد کشور شده [۹۱۵۶ میلیارد دلار بیش از رقم پیش‌بینی شده]

بخش کشاورزی

گندم ... [تولید گندم در این سال از رشد مطلوب برخوردار بوده که بیشترین آن به کشت گندم دیم با رشدی معادل ۲۶/۷ درصد مربوط است.]

شلوک: سطح زیر کشت شلوک (برنج) در سال زراعی ۷۱-۱۳۷۰ برابر ۶/۸ هزار هکتار نسبت به سال ما قبل آن افزایش یافت و به ۵۸۰ هزار هکتار رسید. این افزایش عمدتاً در مناطق خوزستان، فارس، زنجان (قزوین) و اصفهان بوده و در مقابل، نواحی برنج‌خیز با کاهش سطح مواجه شده است. تولید شلوک در این سال به ۲۰۲۲/۸ هزار تن بالغ گردیده که در مقایسه با رقم نظیر در سال پیش ۱۴/۲ درصد کاهش نشان می‌دهد. بخشی از این امر ناشی از کاهش تولید و عملکرد در واحد سطح شلوک در نقاط مستعد برای تولید آن می‌باشد. تولید در هکتار شلوک نیز با ۶۲۵ کیلوگرم کاهش به ۳۴۸۷ کیلوگرم در هکتار محدود شد.

معدن

الف، ارزش افزوده - رشد ارزش افزوده کل بخش به طور متوسط سالانه معادل ۱۹/۵ درصد، کانیهای صنعتی ۳۰/۵ و کانیهای غیرصنعتی ۱۲ درصد پیش‌بینی شده است. ب، صادرات - صادرات مواد معدنی در طول برنامه اول (۱۳۷۲-۱۳۶۸) جمعاً ۱۳۰۰ میلیون دلار پیش‌بینی شده است.

[عملکرد در سال ۷۱ چنین بوده است] الف، ارزش افزوده - رشد ارزش افزوده کل بخش در سال ۱۳۷۱، ۸/۴۲ درصد. کانیهای صنعتی ۱۰/۹۲ درصد و کانیهای غیرصنعتی ۶/۵ درصد بوده است.

ب، صادرات - صادرات بخش در سال ۱۳۷۱، ۷۰/۹ میلیون دلار بوده است. [با توجه به ۶۸/۸ میلیون دلار صادرات سال ۷۰ این سنوآل پیش‌بینی می‌آید که آیا در سالهای ۶۸-۶۹ و ۷۲ توانسته‌ایم ۱۱۶۱/۵ میلیون دلار باقیمانده از پیش‌بینی برنامه را صادر کنیم؟!]

صنایع

در برنامه اول پنجساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در بخش صنعت برای سال ۱۳۷۱ اهداف زیر تعیین شده است:

رشد ارزش افزوده بخش صنعت ۱۵/۶ درصد...

[عملکرد در سال ۷۱ چنین بوده است] براساس آمار ارائه شده از سوی شورای برنامه‌ریزی صنعت، معدن و

بازرگانی در سال ۱۳۷۱ ارزش افزوده بخش صنعت ۰/۶ درصد نسبت به سال ۱۳۷۰ رشد داشته که این رقم در مقایسه با رقم پیش‌بینی شده در برنامه، ۱۵/۶ درصد) بسیار ناچیز بوده است.

عملکرد ارزی بخش صنعت

[چون این آمار جالب و قابل توجه است ذکر می‌شود]

کل ارز تخصیص یافته به بخش صنعت در سال ۱۳۷۱ حدود ۵۳۵۱/۳ میلیون دلار بوده است که در مقایسه با هدف برنامه (۶۰۲۴ میلیون دلار)، ۶۷۲/۷ میلیون دلار کمتر از هدف پیش‌بینی شده در برنامه بوده است. قابل توجه است که عملکرد تخصیص ارز در سرمایه‌گذاری بخش صنعت بیش از سه برابر میزان پیش‌بینی شده در برنامه بوده است.

[سه برابر ارز خرج شده، میزان رشد در سال ۷۱، شش دهم درصد بوده و به جای ۱۳۱۰/۹ میلیون دلار پیش‌بینی شده در برنامه ۱۰۴۵/۲ میلیون دلار صادرات داشته‌ایم.]

نفت

اهداف کمی برنامه برای صنعت نفت در سال ۷۱ چنین بوده: - توسعه دو میدان جدید (گلخاری و پایدار غرب) با ظرفیت تولید ۲۰ هزار بشکه در روز و تولید متوسط ۱۸ هزار بشکه در روز. - بهره‌برداری از میدان گازی کنگان با ظرفیت ۲۸/۳ میلیون متر مکعب در روز و میدان آغار با ظرفیت ۱۸/۵ میلیون متر مکعب در روز.

عملکرد

- منابع جدید نفتی که براساس برنامه می‌بایستی در سال ۱۳۷۱ توسعه می‌یافتند عبارتند از «گلخاری و پایدار غرب». میدان گلخاری با متوسط ظرفیت ۱۰ هزار بشکه [به جای ۲۰ هزار بشکه] در روز و تولید متوسط ۱۰۰۰ بشکه [بجای ۱۸۰۰۰ هزار بشکه] در روز به بهره‌برداری رسید ولی میدان پایدار با پیش‌بینی تولید ۴ هزار بشکه در روز در حال اجراء بوده و در سال مذکور مورد بهره‌برداری قرار نگرفت.

- براساس برنامه می‌بایستی در سال ۱۳۷۱ میدان گازی کنگان با ظرفیت تولید ۲۸/۳ میلیون متر مکعب در روز و میدان آغار با ظرفیت تولید ۱۸/۵ میلیون متر

مکعب در روز به بهره‌برداری برسند که به دلیل عدم تکمیل تأسیسات و تغییر در طراحی فاز کنگان و همچنین حفاری نشدن جاهای آغار، این کار انجام نگرفته است. همچنین میدان دالان نیز که می‌بایستی در سال ۱۳۷۰ مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت، به دلیل عدم حفاری جاهای و عدم تکمیل تأسیسات مورد نیاز تا پایان سال ۱۳۷۱ به بهره‌برداری نرسید.

برق

هدف تعیین شده برنامه در مورد افزایش ظرفیت نیروگاهی در سال ۱۳۷۱ جمعاً برابر ۱۸۰۸ مگاوات بود.

عملکرد

- افزایش ظرفیت اسمی نصب شده نیروگاهی برابر ۱۴۶۵ مگاوات بوده است...

مسکن

[در مورد بخش مسکن فقط به ذکر فرازی از گزارش سازمان برنامه اکتفا می‌شود.]

تولید مسکن در کل کشور به دو بخش شهری و روستائی تقسیم می‌گردد. از بخش روستائی نظر به فقدان آمار و اطلاعات، عملکرد سال ۱۳۷۱ مشخص نبوده و ارائه عملکرد فقط مربوط به مناطق شهری است. در این بخش هم تنها سند منتشر شده که اطلاعات آن می‌تواند مبنای برآورد تولید مسکن در سال ۱۳۷۱ قرار گیرد، گزارش بررسی آمار فعالیتهای ساختمانی بخش خصوصی در مناطق شهری کشور در سه ماهه اول سال ۱۳۷۱ است. براساس آمار و ارقام مندرج در این گزارش، در سه ماهه اول ۱۳۷۱ تعداد ۳۹۱۱۰ واحد مسکونی تکمیل شده و به بهره‌برداری رسیده است. این رقم نسبت به سال گذشته ۴/۷ درصد رشد نشان می‌دهد. علیرغم رشد ساختمانیهای تکمیل شده، ساختمانیهای شروع شده، در سه ماهه اول سال ۱۳۷۱ از رشد منفی به میزان ۱۶/۸ درصد برخوردار بوده که در نتیجه اثرات کاهنده آن در ساختمانیهای تکمیل شده طی سالهای آتی انعکاس خواهد یافت.

موفقیت‌های برنامه

آماری که ارائه شد با هدف نشان دادن عقب ماندگی‌های ما از اهداف برنامه اول است و گرنه طی این برنامه دستاوردهایی قابل توجه داشته‌ایم. در

جریان اجرای همین برنامه بود که یک آرزوی دیرینه مردم ایران که تبدیل نفت به مواد پتروشیمی باشد تحقق یافت. پالایشگاه اراک افتتاح شد، مجتمع پتروشیمی اراک مورد بهره‌برداری قرار گرفت و مجتمع عظیم پتروشیمی بندر امام در شرف بهره‌برداری نهائی است. طرح‌های متعددی در زمینه سدسازی،

مخابرات، تولید نیرو، تولید آهن و فولاد به مرحله بهره‌برداری رسیده یا در حال تکمیل است. امسا علی‌رغم این دستاوردها پروژه‌های بسیاری نیمه تمام مانده است. برنامه دوم نخست باید به تکمیل این پروژه‌ها نظر داشته باشد. به یاد داشته باشیم تاکنون میلیاردها دلار و میلیاردها

تومان برای همین پروژه‌های نیمه تمام سرمایه‌گذاری شده است. در این جا مسأله الا هم فی الا هم کردن پروژه‌ها و اهداف مطرح است. از طرفی آیا نمی‌توان برنامه دوم را مانند بودجه سال ۱۳۷۳ شناور کرد؟ بدین ترتیب که بجای کنار گذاشتن اهداف، آنها را طبقه‌بندی کرده و مشخص کنند تا

در صورت ایجاد شرایط مطلوب که به افزایش منابع مالی منجر شود طرح‌های توسعه را براساس همان طبقه‌بندی به مرحله اجرا برسانند. این بر عهده کارشناسان برنامه‌ریزی و اقتصاددانان است که در این زمینه اظهار نظر کنند، و رهنمود ارائه دهند.

جهت‌گیریها و هدفهای کلان کیفی برنامه

بخش دوم:

دیدگاههای کمیسیون تلفیق

کمیسیون تلفیق دو دستور کار را به عنوان سرلوحه برنامه خود در جریان رسیدگی به برنامه دوم برگزیده است. یک دستور کار مربوط است به جهت‌گیریهای این برنامه، و آن دیگری هدف‌های کلان کیفی را مورد نظر قرار داده است.

آگاهی از پیشین و خط مشی کمیسیون تلفیق می‌توانست دقت در اظهار نظر و ارائه پیشنهاد و مشارکت در شناخت کاستی‌های این برنامه را برای اهل فن تضمین کند. از همین رو متن این دو دستور کار عیناً نقل می‌شود.

جهت‌گیریهای برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

۱- تأکید بر مدیریت کلان اقتصادی از طریق:

الف - استفاده گسترده‌تر از ابزارهای مالی و پولی.

ب - عدم استقرار از سیستم بانکی.

ج - افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

د - کنترل حجم پول و نرخ رشد نقدینگی و تورم.

ه - استفاده از اوراق قرضه و اوراق سرمایه‌گذاری در سرمایه‌گذاریهای بخش عمومی.

و - تلاش در جهت کاهش تدریجی بدیهیهای خارجی.

۲ - تلاش در سازماندهی بازارهای مختلف از جمله بازار کار با تکیه بر:

الف - ایجاد رقابت گسترده در بازار کالاها و خدمات و کاهش تمرکز قدرت اقتصادی موسسات و دستگاهها و یا شرکتهای دولتی و غیردولتی و مقابله با انحصارگرایی.

ب - تکمیل و توسعه بازارهای موجود از قبیل بازار سرمایه، بورس و بازار موسوم به بازار کالا و نیز بازار کار.

ج - تشویق سرمایه‌گذاران به استفاده هرچه بیشتر از کارکنان ایرانی و استفاده کمتر از کارکنان خارجی و ایجاد شرایط کارآفرینی و ایجاد شغل‌های جدید در طول برنامه دوم.

۳- افزایش بهره‌وری در استفاده از منابع عمومی در سطح آحاد از طریق:

الف - ایجاد نظم و انضباط اکید مالی و نهایت صرفه‌جویی در مصرف منابع و اعتبارات عمرانی و جاری و منابع شرکتهای دولتی و وابسته به دولت.

ب - توجه به افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از منابع به عنوان قاعده عملکرد مدیریت و یکی از ضوابط ارزشیابی آن.

ج - توجه به تسریع در اتمام پروژه‌ها و تحویل سریعتر آنها جهت بهره‌برداری از طریق تمرکز امکانات به جای در دست داشتن پروژه‌های متعدد و پراکنده همراه با کندی کار.

د - توزیع بودجه عمرانی با توجه به استعداد طبیعی استانها و ضریب محرومیت بطور عادلانه.

۴- اصلاح ساختار برنامه‌ریزی، نظارتی، اجرایی و قضائی کشور در جهت تحقق اهداف برنامه با تأکید بر:

الف - توجه به اصلاح نظام اجرایی - اداری و ایجاد نظم و انضباط لازم.

ب - انسجام و هماهنگی بین واحدهای

اداری و سازماندهی کارآ.

ج - حذف دستگاههای موازی.

د - اعمال نظارت دقیق بر عملکرد سازمانهای دولتی.

ه - پرهیز از تمرکز امور در تهران و واگذاری هرچه بیشتر مسئولیتها به استانها و شهرستانها.

و - حذف بوروکراسی پیچیده اداری و استفاده از راههای ساده در انجام امور و برخورد با متخلفین.

ز - گسترده‌تر کردن دامنه انتخاب مدیران و توجه به توانمندیهای فردی آنها با رعایت اصول اعتقادی.

ح - ایجاد زمینه شناسایی و رشد نیروهای جدید و جوان کشور در یک فرآیند تربیت، ارزشیابی و ارتقاء آنها.

ط - تأمین زمینه ایجاد کادر وسیع مدیران.

هـ - تأمین رشد و توسعه پایدار اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور از طریق توجه هرچه بیشتر به نقاط قوت درونی نظام اقتصادی با محوریت بخش کشاورزی و ایجاد مکانیزمهای تقویت بینه‌های داخلی نظام اقتصادی به جای اتکاء به رشد القائی حاصل از درآمد نفت.

هدفهای کلان کیفی

۱- تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی.

۲- رشد فضائل براساس اخلاق اسلامی و ارتقای کمی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه.

۳- هدایت جوانان و نوجوانان در عرصه‌های ایمان مذهبی، فرهنگ خودی، خلاقیت علم، هنر، فن و تربیت

بدنی و مناسبات انسانی، خانوادگی و اجتماعی و مشارکت در صحنه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.

۴- افزایش بهره‌وری

۵- تربیت نیروی انسانی مورد نیاز.

۶- رشد و توسعه پایدار اقتصادی با محوریت بخش کشاورزی.

۷- اصلاح ساختار نظارتی، اجرایی و قضائی کشور در جهت تحقق اهداف برنامه.

۸- تقویت مشارکت عامه مردم و اتخاذ تدابیر لازم برای نظارت شایسته و پیوسته بر اجرای برنامه.

۹- تلاش در جهت کاهش وابستگی اقتصادی کشور به درآمدهای حاصل از نفت و توسعه بیش از پیش صادرات غیر نفتی.

۱۰- حفظ محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی کشور.

۱۱- تقویت بنیه دفاعی کشور در حد نیاز.

۱۲- رعایت اصول عزت و حکمت و مصلحت کشور در سیاست خارجی.

۱۳- تلاش در جهت حاکمیت کامل قانون و حفظ امنیت همه جانبه آحاد مردم و ترویج فرهنگ احترام به قانون، نظم اجتماعی و وجدان کار.

۱۴- نظام دهمی و بکارگیری تحقیقات بعنوان ابزاری برای حل مشکلات و توسعه کشور.

۱۵- ایجاد تعادل در بخش‌های اقتصادی (ععاونی، خصوصی و دولتی).

۱۶- تقویت و ترجیح ارزشهای انقلاب اسلامی در عرضه کردن منابع مالی وامکانات دولتی.